

شناخت عوامل سازنده جهاد علمی منجر به استحکام ساخت درونی

قدرت ملی

احسان کیان‌خواه^۱، حسین ساری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰

چکیده

پایداری و قدرت هر کشور به میزان اتکا به توانمندی‌های داخلی و عدم وابستگی عناصر حیاتی و مهم به خارج از کشور و به‌ویژه دشمنان بستگی دارد. مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از سال ۱۳۶۸ تاکنون قریب ۶۳ سخنرانی پیرامون اهمیت استحکام ساخت درونی قدرت ملی ایراد فرموده‌اند. یکی از مؤلفه‌های اصلی استحکام درونی «علم و فناوری» است. با توجه به سرعت شتابان و فزاینده تحولات علم و فناوری و نیز دست‌اندازی، مانع‌تراشی و تحریم قدرت‌های استکباری برای کشور عزمی جدی و جهادی در کسب و تولید علم و فناوری درون‌زا ضروری است. این مقاله با روش ترکیبی شکل‌گرفته است که پس از بررسی ادبیات تحقیق و ژرف‌اندیشی در مفاهیم و کلیدواژه‌ها مرتبط و تبیین بر اساس قرآن و روایات و منابع معتبر، عوامل شناسایی‌شده و در پانل خبرگان تأییدشده است و سپس در مراجعه به متخصصان با تکنیک معادلات ساختاری نتایج تحلیل‌شده است. بر این اساس عوامل سازنده جهاد علمی برای استحکام ساخت درونی قدرت ملی با بررسی ماهیتی و معرفتی قدرت، استحکام ساخت درون، جهاد، علم و جهاد علمی موردبررسی قرار گرفته و عوامل بر اساس علل فاعلی، صوری و مادی اندراج یافته‌اند. علت فاعلی ویژگی‌های جهادگران عرصه علم، علت مادی منابع تولید علم و فناوری و علت صوری نظامات و فرآیندهای تولید علم و فناوری را در برگرفته است. علت غایی و نتیجه این جهاد علمی استحکام ساخت درونی قدرت ملی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: علم، قدرت، جهاد علمی، استحکام ساخت درونی قدرت ملی.

^۱ دانشجوی دکتری رشته مدیریت راهبردی فضای سایبر - گرایش مدیریت سایبر دانشگاه عالی دفاع ملی و نویسنده مسئول

^۲ عضو هیات علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

عدم وابستگی عناصر حیاتی و مهم قدرت‌ساز به منابع خارجی به‌ویژه دشمنان به پایداری و قدرت ملی در هر کشور می‌انجامد. مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) قریب ۶۳ سخنرانی با محوریت استحکام ساخت درونی قدرت ملی ایراد فرموده‌اند. اساساً استقلال در هیچ جای دنیا بدون استحکام ساخت درونی قدرت ملی امکان‌پذیر نیست و برای کشور انقلابی اهمیت آن بیشتر است. اهمیت استحکام ساخت درونی قدرت ملی در نظام جمهوری اسلامی از آن جهت است که این نظام پرچم حق‌طلبی و عدالت‌خواهی و نفی همه‌جانبه سلطه شیاطین انسی و جنی را برافراشته است. این تضاد منافع نظام برخاسته از اسلام ناب محمدی صلوات‌الله‌علیه‌وآله با نظامات برآمده از طاغوت و سلطه‌ی همه‌جانبه‌ی شیطان و ایادی آن منجر به تولید گفتمان استحکام ساخت درونی قدرت ملی شده است. این گفتمان بر آن است تا عناصر حیاتی استحکام قدرت که اقتصاد، فرهنگ، علم و فناوری و معنویت برآمده از اسلام ناب است را بر توانمندی و قابلیت‌های درون مستقر، مستحکم و تعالی دهد. عمده خسارت کشور در ۴۰ سال گذشته در جاهایی بوده که کشور به خارج و به‌ویژه به دشمنان وابسته بوده است. مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیانات خود در اول فروردین‌ماه ۱۳۹۳ علم و دانش را سومین عنصر کلیدی قوی شدن ملت بیان فرموده‌اند. از این‌رو توجه به علم در قوی شدن پایدار ملت و استحکام درونی آن روشن و مبرهن است. علمی منجر به قدرت‌افزایی درونی ملت می‌شود که نافع بوده و در شرایط حاضر با دشمنی‌ها و تحریم‌های موجود باروحیه جهادی بر کمبودها غلبه کرده و آن را به دست آورد، تا در بهترین شکل و در کوتاه‌ترین زمان موجب اقتدار کشور شود. مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در ابلاغیه سیاست‌های علم و فناوری اولین رکن این سیاست‌ها را «جهاد مستمر علمی باهدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان» بیان فرموده‌اند که گویای اهمیت سلوک مجاهدانه علمی در دستیابی به قله‌های علم و فناوری است. لذا مسئله و دغدغه این تحقیق کشف عوامل سازنده جهاد علمی در راستای استحکام ساخت درونی قدرت ملی در نظام جمهوری اسلامی ایران است. اهمیت این پژوهش از آن‌رو است که با شناسایی عوامل سازنده جهاد علمی برای استحکام ساخت درونی قدرت ملی مبتنی بر داشته‌های دینی و ملی، الزامات و نظامات روند و مسیر اقتدار‌افزایی درونی کشور مشخص می‌شود. از آنجایی‌که ایران اسلامی در مسیر تمدن‌سازی قرار دارد و از راه‌های میان‌بر باید بتواند خلأهای موجود را پر نموده و بر تحریم‌ها و محرومیت غلبه نماید، ضرورت این تحقیق در شناسایی عوامل سازنده‌ی

جهاد علمی می‌شود. هدف اصلی این تحقیق «احصاء عوامل سازنده جهاد علمی منجر به استحکام ساخت درونی قدرت ملی» است. بر این اساس پژوهش با توصیف (۱) مفهوم قدرت و قدرت ملی درون‌زا؛ (۲) مفهوم جهاد و علم در قرآن و روایات؛ (۳) کشف و احصاء عوامل مؤثر بر جهاد علمی در استحکام ساخت درونی قدرت ملی می‌پردازد. لذا تحقیق با پاسخ به پرسش «عوامل سازنده جهاد علمی منجر به استحکام ساخت درونی قدرت ملی کدام است؟» به هدف اصلی خود می‌رسد.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

چیستی قدرت

از نگاه متکلمین، قدرت قابلیت فاعل در انجام یا ترک فعلی که آگاه به مصلحت و مفسده آن است، اطلاق می‌شود (علامه مظفر، ۱۳۹۰: ۴۶). قدرت اگر متصف به انسان باشد، هیبتی است که با آن تمکن انجام کاری را دارد و اگر در مورد پروردگار باشد به معنای نفی عجز از ذات باری تعالی است. لذا هر موجودی غیر خداوند توصیف به قدرت گردد از جهتی هم می‌توان آن را به عجز و ناتوانی نسبت داد (راغب، ۱۳۸۷: ۶۲۵). قدیر که از قَدَرَ اخذ شده است بیانگر فاعلی است که عملش را بر مقتضای حکمت انجام داده و ذره‌ای از آن بیشتر یا کمتر محقق نمی‌کند (همان). در حقیقت قدرت از کمالات وجودی است که فقط در حالت فعل پدید می‌آید و در حالت انفعال (پذیرش فعل) چه شدید و چه ضعیف وجود نخواهد داشت (علامه طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۱۵۱). مبادی قدرت، علم و شعور نسبت به انجام یا ترک فعل و اختیار در انجام دادن فعل است و لذا به قوای طبیعی قدرت اطلاق نمی‌شود چون قوای طبیعی، شعور ندارد (علامه مظفر، ۱۳۹۰: ۴۷). در بیان موجز قدرت «مبدئیت فاعلی حی مختار برای افعالش» است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۴۷۴).

اندیشمندان علوم سیاسی تعاریف مختلفی از قدرت ارائه داده‌اند. به تعبیر هابز، قدرت آدمی عبارت از وسایلی است که برای دستیابی به امر مطلوبی در آینده در اختیار دارد (منوچهری، ۱۳۷۶: ۳۲). جان لاک فیلسوف انگلیسی قدرت سیاسی را به‌عنوان حق اعمال قدرت در جهت منافع عامه می‌داند (هیندس، ۱۳۸۰: ۶۱-۵۹). راسل نیز قدرت را پدیدآوردن آثار مطلوب می‌داند (نبوی، ۱۳۸۸: ۴۸-۴۴). پولانزاس قدرت را توانایی یک طبقه‌ی اجتماعی برای تحقق منافع خاص عینی خود برمی‌شمارد (نبوی، ۱۳۸۸: ۸۵-۹۲). وبر قدرت را امکان تحمیل اراده‌ی خود بر رفتار دیگران می‌بیند (راش، ۱۳۷۷: ۵۸). هانا آرنست قدرت را توانایی آدمی برای عمل، در اتفاق عمل با گروه دانسته است. از دید پارسونز، قدرت واسطه‌ای تعمیم‌یافته برای تضمین اجرای تعهدات الزام‌آور

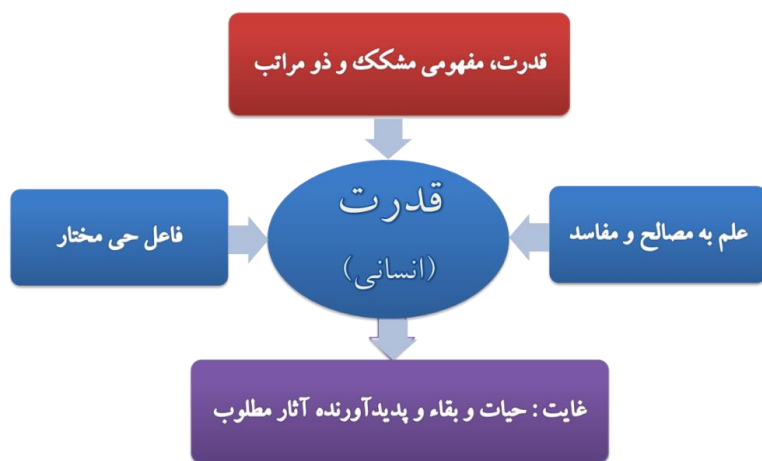
واحدهایی در نظام سازمان جمعی، وقتی که تعهدات از لحاظ تأثیرشان بر اهداف جمعی مشروعیت می‌یابد (راش، ۱۳۷۷: ۵۹).

واژه قدرت کاربرد وسیعی در مورد موجودات هستی دارد به گونه‌ای که اشیاء جاندار و بی‌جان، اشیاء مجبور و مختار، اشیاء عاقل و غیر عاقل، همه را دربر می‌گیرد. بحث درباره مقوله قدرت در فلسفه سیاسی، محدوده‌ای کوچک از مفهوم عام و لغوی قدرت یعنی قدرت اجتماعی و سیاسی را دربر می‌گیرد که عبارت است از توانایی انسان‌ها در تأثیرگذاری بر حیات و اراده جمعی یکدیگر و در نهایت تعیین سمت و سوی آن. و مقدمه‌ای برای ورود به بحث درباره حاکمیت است (نبوی، ۱۳۷۹: ۹).

قدرت عامل حیات و بقا است، بنابراین محبوب انسان‌ها، گروه‌ها و دولت‌هاست. موجود فاقد قدرت محکوم به فنا است و گزینه میل به بقای حیات، انسان را وادار به کسب قدرت می‌کند (حافظنیا و همکاران، ۱۳۷۸: ۴). میزان دستیابی به اهداف و تمایلات تابعی از درجه قدرت و نفوذ و اقتدار فرد یا گروه انسان‌ها است که از آن برخوردارند. با عامل قدرت می‌توان شرایط دستیابی به اهداف را فراهم کرده و نیز می‌توان عوامل و متغیرهای بازدارنده و مانع را از سر راه برداشت (حافظنیا، ۱۳۸۶: ۲).

بر اساس تعاریف بیان‌شده قدرت دارای مفهومی مشکک^۱ و ذو مراتب است و به صورت کلی قدرت را می‌توان به قدرت مطلق و مقید تقسیم کرد. قدرت مطلق یعنی علم به مصلحت و مفسده همه امور به صورت مطلق و اختیار و توانایی در انجام آن بیان کرد. لذا عجز و ناتوانی در قدرت مطلق راه نداشته و همه امور صادره شده از فاعل حی صاحب اختیار به مقتضای حکمت است. این نوع از قدرت در مخلوق محدود راه ندارد و صرفاً برای ذات باری تعالی قابل اثبات است. قدرت از جنس مضاف آن برای مخلوقات بر اساس توانمندی‌های فاعل قدرت و قابلیت‌های محیط اعمال قدرت قابل تصور است و قدرت مطلق برای مخلوق ثبوتاً و اثباتاً قابل تصور نیست. در این نگاه قدرت که توانایی صاحب اختیار و اراده تعلق با علم به مصلحت و مفسده امر در انجام یا ترک فعلی است زمانی که متصف به انسان و یا جمعی از انسان‌ها باشد، تابع مضاف‌الیه قدرت است و قدرت در حیطه مضاف‌الیه خود قابل تعریف می‌شود. لذا ارکان قدرت در حیطه انسان (ها) را می‌توان قابلیت فاعل صاحب علم و اختیار به مصالح و مفسده و انجام یا ترک فعل امری در حیطه

^۱ تشکیک در اصطلاح فلسفه البته بر اساس تفسیری که ملاصدرا از حقیقت خارجی دارد به این معنا است که وجود -که یک حقیقت واحد است- دارای مراتب مختلفی است و به عبارت دقیقتر در عین اینکه واحد است کثیر نیز هست و در عین کثیر بودنش واحد نیز هست.



شکل ۱. قدرت در حیطه انسانی آن (پژوهشگر ساخته)

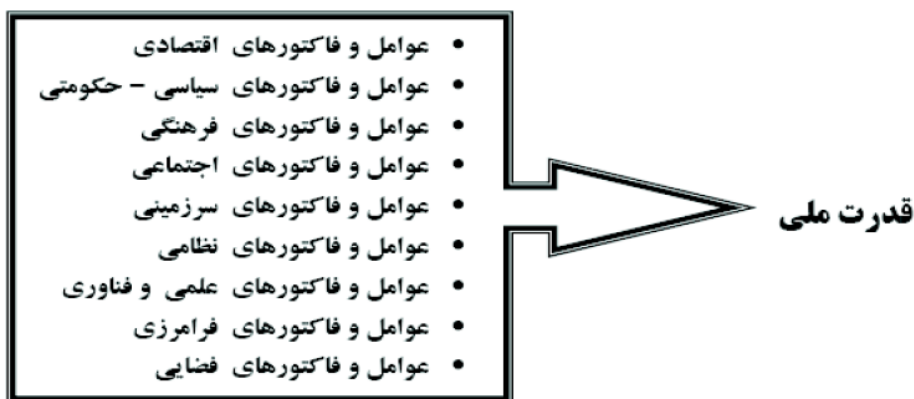
قدرت ملی

تعاریف زیادی از قدرت ملی ارائه شده است. از نظر حافظ‌نیا قدرت ملی عبارت است از: «توانایی قابلیت و ظرفیت یک دولت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود باهدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی» (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۴۵). کالینز استراتژیست آمریکایی، قدرت ملی را مجموعه‌ای از توانایی‌های بالقوه و بالفعل یک کشور تعریف می‌کند که از توانایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، فناورانه و نظامی آن کشور ناشی می‌شود (کالینز، ۱۳۷۰: ۲۴).

در قلمرو داخلی از قدرت برای قانون‌گذاری، ضابطه‌گذاری، تنظیم امور و روابط اجتماعی، اجرای قانون و عدالت اجتماعی و تأمین امنیت عمومی از طریق نهادهای سازمان‌یافته نظیر نهادهای قانون‌گذاری، قضایی، امنیتی، انتظامی، تبلیغاتی و ... استفاده می‌شود. در قلمرو خارجی از قدرت ملی برای حفاظت از منابع ملی، تأمین نیازهای ملی از مبادی فرا کشوری، تأمین امنیت ملی، رفع تهدیدات فرامرزی، تقویت اعتبار و پرستیژ ملی و ... استفاده می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۴۶).

برای ایجاد قدرت ابتدا باید دسته‌ای از منابع مادی و معنوی وجود داشته باشد، تا با ترکیب این منابع و به دست آوردن برآیند مفید و مؤثری از آنها، عامل و عاملی حاصل گردد که رفتار اجتماعی را جهت داده و هدایت کند. این منابع حقیقت، اجزاء بنیادین قدرت را تشکیل می‌دهند و قدرت سیاسی - اجتماعی بیش از هر چیز به آنها وابسته است. ترکیب منابع قدرت و به دست

آوردن برآیند نیرومندی از آن‌ها متکی به فرد یا افرادی است که قابلیت و استعداد چنین اقدام و تصمیمی در آن‌ها وجود دارد. منابع قدرت، به نقطه مرکزی بکار برنده آن یعنی فرد یا افراد خاص بستگی پیدا می‌کند و در هر صورت، فرد یا افرادی که توانایی ترکیب منابع قدرت را دارند و بدین عمل مبادرت می‌ورزند چه کم و چه زیاد چه قوی و چه ضعیف برآیندی از منابع مذکور در حد توان خود به دست خواهند آورد (نبوی، ۱۳۷۲: ۱۲۲). قدرت ملی از عوامل متعددی کیفی و کمی تشکیل شده است که حافظ نیا با نگاه جامعی به احصاء این عوامل پرداخته است^۱ (شکل ۲).



شکل ۲. عوامل تشکیل قدرت ملی (حافظ نیا، ۱۳۸۵)

قدرت ملی برآیند عوامل و منابعی از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی هر کشور است. زمانی قدرت ملی موجبات حیات و بقا کشور را در مقابله و رویارویی با تهدیدات خارجی حفظ می‌نماید که عوامل و منابع تشکیل‌دهنده قدرت متکی به قابلیت‌های درونی باشد. اگر هر یک از این عوامل مبتنی بر منابع خارجی شکل بگیرد، عملاً قدرت ملی خدشه‌پذیر و غیرقابل اتکاء است^۲.

استحکام ساخت درونی قدرت ملی

استحکام ساخت درونی قدرت ملی، نیروی مولد با جوشش از درون است که موتور محرک جوامع در رسیدن به اهداف متعالی و مطلوبشان است، این استحکام زاینده قدرتی است که جوامع را در برخورد با چالش‌ها توانمند می‌سازد. «عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا

^۱ البته عوامل دیگری نیز می‌توان به آن اضافه نمود که خارج از بحث این تحقیق است (همانند قدرت ایمان و...).

^۲ می‌توان گفت قدرت وابسته، قدرت نیست بلکه توهم قدرت و «هباء مثثورا» است.

یک جامعه است که او را در مقابله‌ی با دشمن، در مقابله‌ی با موانع، دارای اقتدار می‌کند و بر چالش‌ها غلبه می‌بخشد. عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هرکسی است که در جبهه‌ی خدائی قرار می‌گیرد. در مصاف بین حق و باطل، بین جبهه‌ی خدا و جبهه‌ی شیطان، عزت متعلق به کسانی است که در جبهه‌ی خدائی قرار می‌گیرند. در سوره‌ی فاطر آمده است: مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا^۱ (حضرت امام خامنه‌ای، ۱۴/۰۳/۱۳۹۱).

العزَّة حالتی است که مانع از مغلوب شدن انسان می‌گردد^۲ که مأخوذ از ارضِ عَزَّازٌ به معنای زمینی سخت است. العَزِيزُ کسی که غلبه می‌کند اما مغلوب واقع نمی‌شود (راغب، ۱۳۹۰: ۵۳۱-۵۳۰). العَزِيزُ از صفات خداوند متعال و از اسماء حسناى الهی است، العِزُّ خلاف ذلت و خواری است^۳ و به معنای قوت، شدت و غلبه است^۴ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۳۷۴).

بایان معنی عزت، فهم آیه شریفه «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» روشن می‌شود. که هر کس عزت می‌خواهد باید از خدای تعالی بخواهد، زیرا عزت همه‌اش ملک خدا است، و هیچ موجودی نیست که خودش بالذات عزت داشته باشد. در نتیجه به کار رفتن جمله «فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» در جزای شرط، از قبیل بکار بستن سبب در جای مسبب است که عبارت است از درخواست عزت از خداوند (چون علم به اینکه عزت همه‌اش ملک خدا است، سبب است، و درخواست عزت از خدا مسبب، در آیه به‌جای اینکه بفرماید: هر کس عزت می‌خواهد از خدا بخواهد جمله از خدا بخواهد را برداشته سبب آن را به‌جایش گذاشته، و فرموده: هر کس عزت بخواهد عزت همه‌اش از خدا است) یعنی به‌وسیله عبودیت که آن‌هم حاصل نمی‌شود مگر با داشتن ایمان و عمل صالح، عزت را از خدا بگیرد (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۷).

از پیامبر اعظم حضرت محمد (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) روایت شده است: «إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ أَنَا الْعَزِيزُ فَمَنْ أَرَادَ عِزَّ الدَّارَيْنِ فَلْيَطِيعِ الْعَزِيزَ، پروردگار شما همه روز می‌گوید: منم عزیز و هر کس عزت دوجهان خواهد باید اطاعت عزیز کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸: ۱۲۰). دلیل حصر تعلق عزت و شکست‌ناپذیری به خداوند این است که همه مخلوقات به‌حکم محدودیت قابل شکستند

^۱ کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست (فاطر/۱۰).

^۲ حاله مانعة للإنسان من أن يغلب.

^۳ خلاف الذل.

^۴ العز في الأصل: القوة و الشدة و الغلبة.

و لذا عزت تنها متعلق به خداست. انسان آگاه باید آب زلال و حیات‌بخش را از سرچشمه بگیرد، و نه از ظروف کوچک و محدود که با آلودگی همراه است.

امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) در آخرین ساعات عمر شریفشان در پاسخ به درخواست جناده در بیان نصیحت فرموده‌اند: «...إِذَا أُرِدْتَ عِزًّا بَلَا عَشِيرَةَ وَ هَيْبَةً بَلَا سُلْطَانَ فَأَخْرُجْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ عِزًّا وَ جَلًّا.. هرگاه خواستی بدون داشتن عشیره و قدرت عزت و هیبت داشته باشی، پس از ذلت معصیت خدا به سوی عزت طاعت الهی عزوجل خارج شو» (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۴۴: ۱۳۹). همچنین امام حسین علیه‌السلام در دعای عرفه می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، خدایا بی‌نیازی را در نفس من قرار بده» (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۹۵: ۲۱۹). این‌گونه می‌توان بیان نمود که انسان باید از ذلت وابستگی و دوری از خدا خارج شود و با اتکا به درون و بی‌نیاز شدن از دیگران و یافتن عزت با طاعت الهی، راه برون‌رفت از این ذلت و خواری را بیابد.

خداوند در ادامه آیه ۱۷ سوره فاطر می‌فرماید: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ، سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند، و عمل صالح را بالا می‌برد». در حقیقت شرط کسب عزت و راه وصول آن، عمل صالح است. «الْكَلِمُ الطَّيِّبُ» به معنی سخنان پاکیزه است، و پاکیزگی سخن به پاکیزگی محتوای آن است، و پاکیزگی محتوا به خاطر مفاهیمی است که بر واقعیت‌های عینی پاک و درخشان تطبیق می‌کند، و چه واقعیتی بالاتر از ذات پاک خدا، و آئین حق و عدالت او، و نیکان و پاکانی که در راه نشر آن گام برمی‌دارند. لذا «الْكَلِمُ الطَّيِّبُ» را به اعتقادات صحیح نسبت به مبدأ و معاد و آئین خداوند تفسیر کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۱۹۴). این نکات از آیه شریفه قابل استنباط است: (۱) عزت واقعی، نزد خداست، نه پیش مردم؛ (۲) عزت واقعی، در سایه‌ی ایمان و عمل صالح است؛ (۳) میان عقیده با عمل رابطه‌ی تنگاتنگ است و در یکدیگر اثر می‌گذارند؛ (۴) راه مؤمنان که عزت را از طریق ایمان و عمل صالح می‌جویند، راه رشد و تکامل است و راه دیگران که عزت را از طریق فریب و نیرنگ می‌خواهند محو و هلاکت است؛ (۵) هیچ‌کس با نیرنگ و گناه به عزت نمی‌رسد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۴۸۱).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با تعبیر استحکام درونی قدرت ملی به عزت به بیان این نکته ظریف پرداخته‌اند که عزت تنها با اتصال و اتکال به خداوند متعال در عرصه فکر و عمل پدید می‌آید. عزت‌نفس از بزرگ‌ترین مقامات و کمال روحانی است و تا انسان در قید اسارت نفس و شهوات است و سلسله طولانی شهوت و غضب در گردن اوست به هیچ‌یک از مقامات معنوی و روحانی نائل نمی‌شود و سلطنت باطنیه نفس و اراده نافذه آن بروز و ظهور نمی‌کند و مقام استقلال

و عزت نفس حاصل نمی‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۲۵۸). بنابراین اگر عزت نفس درون لایه‌های عمیق وجود انسان نفوذ کرد، آن وقت شیطان بر انسان اثر نمی‌گذارد؛ هوی‌های نفس در انسان اثر نمی‌گذارد؛ شهوت و غضب، انسان را بازیچه‌ی خود قرار نمی‌دهد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۳/۱۴). عزت نفس و استحکام درون هم به فرد و هم به جامعه بازمی‌گردد. یعنی هم انسان باید به دنبال عزت نفس و شکست‌ناپذیری در مقابل شیاطین انسی و جنی باشد و هم جامعه باید مقاوم در مقابل هرگونه تهدید باشد.

یکی از عوامل اصلی استحکام ساخت درونی قدرت ملی، علم و دانش درونی است. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اقتدار علمی را یک اقتدار درون‌زا بیان فرموده که باید در حرکت مداوم پیشرفت یابد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵). این اقتدار علمی درون‌زا، باید جهادی (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۵/۰۶) باشد. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مورد جهاد علمی فرموده‌اند که: «جهاد علمی یکی از بزرگ‌ترین فرائض ما است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۷/۰۶). لازمه اقتدار علمی درون‌زا، جهاد علمی است و جهاد علمی کوشش همه‌جانبه و تلاش مجاهدانه علمی برای دستیابی به مرجعیت علمی و فناوری در جهان و ساخت قدرت ملی مستحکم درون‌زا است.

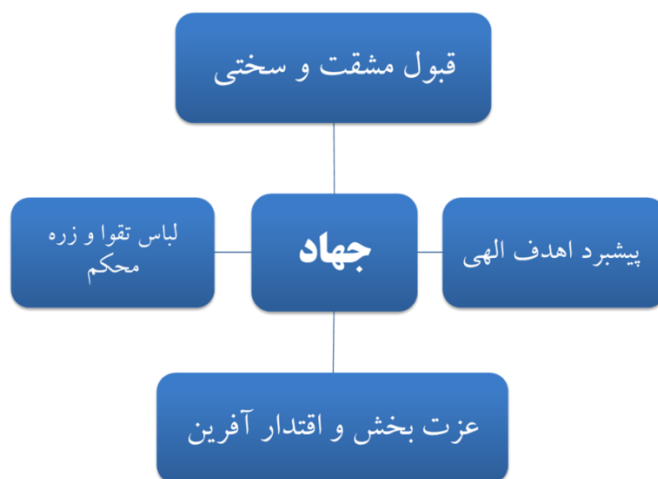
چیستی جهاد

الجهد و الجهد به معنای طاقت و سختی است. جهد به معنای مشقت و جهد به معنای تلاش فراوان است، گفته شده جهد در مورد انسان استعمال می‌شود (راغب، ۱۳۸۷: ۱۶۲). جهاد در معنای مصدری به معنی تلاش و در معنای اسمی به معنی جنگ (اقرب الموارد) است و جنگ از آن جهت به جهاد تعبیر شده که تلاش توأم با رنج است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۷). جهاد یک قانون عمومی در عالم آفرینش است، و همه موجودات زنده جهان اعم از نباتات و حیوانات به وسیله جهاد موانع را از سر راه خود برمی‌دارند، تا بتوانند به کمالات مطلوب خود برسند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۸۰).

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در خطبه ۲۷ نهج البلاغه می‌فرماید: «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَ جُنَّةُ الْوَيْفَةِ فَمَنْ تَرَكَهٗ رَعْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الدُّلِّ وَ شَمَلَهُ الْبَلَاءُ وَ دُيْتُ بِالصَّغَارِ وَ الْقَمَاءُ وَ ضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِسْهَابِ وَ أُدِيلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَ سِيمَ الْخَسْفَ وَ مَنَعَ النَّصْفَ. پس از ستایش پروردگار، جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است، که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا، و زره محکم، و سپر مطمئن خداوند است، کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می‌پوشاند، و دچار بلا و مصیبت می‌شود و کوچک و ذلیل

می‌گردد، دل او در پرده گمراهی مانده و حق از او روی می‌گرداند، به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم است» (دشتی، ۱۳۹۰: ۵۱). در این بیان شریف، امام علی علیه‌السلام جهاد را لباس تقوا بیان فرموده‌اند؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ، لباس پرهیزگاری بهتر است» (اعراف / ۲۶)، تشبیه تقوی و پرهیزکاری به لباس، تشبیه بسیار رسا و گویایی است، زیرا همان‌طور که لباس هم بدن انسان را از سرما و گرما حفظ می‌کند، و هم سپری است در برابر بسیاری از خطرهای، و هم عیوب جسمانی را می‌پوشاند و هم زینتی است برای انسان، روح تقوی و پرهیزکاری نیز علاوه بر پوشانیدن بشر از زشتی گناهان و حفظ از بسیاری از خطرات فردی و اجتماعی، زینت بسیار بزرگی برای او محسوب می‌شود. زینتی است چشمگیر که بر شخصیت او می‌افزاید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۳۲). جهاد، همچون لباسی است که محافظ انسان و جوامع انسانی در برابر ذلت و خواری و نافرمانی خداوند و موجب گشوده شدن رحمت الهی و مایه اقتدار و زیبایی معنوی است.

خداوند در قرآن به صورت مطلق مجاهدین را بر غیر آن‌ها فضیلت داده است. در آیه ۹۵ سوره نساء آمده است: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا، و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است». باید توجه داشت که جهاد، تنها به معنی جنگ و نبرد مسلحانه نیست بلکه هر نوع تلاش و کوششی را که برای پیشبرد اهداف مقدس الهی انجام گیرد، شامل می‌شود، و به‌این ترتیب علاوه بر نبردهای دفاعی و گاهی تهاجمی، مبارزات علمی، منطقی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز در برمی‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۸۲). بر اساس مطالب بیان‌شده می‌توان ویژگی‌های جهاد را قبول مشقت و سختی، لباس تقوا و زره محکم، پیش برنده اهداف الهی و عزت بخش و اقتدار آفرین بیان داشت (شکل ۳).



شکل ۳. برخی ویژگی‌های جهاد در اسلام

چیستی علم

از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) علم از جمله مقوله‌های است که در رشد و تعالی انسان و جامعه حائز تأثیر بی‌بدیلی است و دارای شرافت ذاتی است. دین مبین اسلام نیز توصیه‌های زیادی در حوزه علم‌آموزی، تعلیم و زندگی عالمانه ارائه می‌کند، و علم‌آموزی را موجب استحکام پایه‌های دینی و حافظ دین می‌داند که سبب می‌شود فرد عالم از هرگونه لغزشی محفوظ بماند. همچنین تحصیل علم جنان اهمیت دارد که برای حفظ هویت، موجودیت، اسلامیت و استقلال کشور همراه با تضمین آینده مطلوب و منتظر، علم‌محوری و علم‌آموزی بهترین راهکار است و موتور محرکه پیشرفت در تمام زمینه‌هاست. تحصیل علم سبب ایجاد قدرت و اقتدار یک ملت در مقابل سایر ملت‌ها می‌شود؛ و این اقتدار به دلیل رشد توسعه و پیشرفتی است که در کشور ایجاد می‌شود؛ به طوری که پایه‌های فناوری‌های پیشرفته و رشد مادی مرتبط با مسائل زندگی گسترش پیدا کرده و موجب رفاه بیشتر آحاد مردم کشور می‌شود» (خان‌محمدی و باقری، ۱۳۸۹).

علم ساختاری برای تولید و ساماندهی دانش پیرامون جهان طبیعی در قالب توضیح‌ها و پیش‌بینی‌های آزمایش‌شدنی است (ویستر، بی‌تا). علم نظامی است که بر واقعیات بنا شده است (چالمرز، ۱۳۸۹: ۱۴). ارسطو معتقد است، دانش علمی مجموعه‌ای از آگاهی‌های قابل‌اتکا است که از لحاظ منطقی و عقلانی قابل توضیح باشند (ویکی‌پدیا، بی‌تا).

«علم» در لغت، معادل معرفت، شناخت، آگاهی، دانستن، فهم، ادراک، شناسایی و مانند آن به کار

می‌رود. العِلْمُ درک حقیقت شیء است^۱ (راغب، ۱۳۹۰: ۵۴۸). علم و معرفت از جمله واژه‌هایی هستند که کاربردهای گوناگون دارند. یکی از معانی علم اعتقاد یقینی مطابق با واقع است؛ علم به این معنا، در مقابل جهل و همچنین شک و تردید قرار دارد؛ در معنای دیگر علم به معنای مطلق آگاهی‌های بشر؛ این علم شامل تمام دانستنی‌های انسان، اعم از نظری و عملی است (رنجبر حقیقی، ۱۳۸۳).

مفهوم علم یکی از روشن‌ترین و بدیهی‌ترین مفاهیم است. از این جهت صاحب اسفار در خصوص علت عدم امکان تعریف «علم» و «معرفت» و بدیهی بودن آن می‌نویسد: «ولا شیءَ اعرفُ مِنَ العِلْمِ لانه حائله وجدانیة نفسانیة یجدها الحی العلیم من ذاته ابتداءً من غیر لبس و لا اشتباه و ما هذا شأنه یتعذر أن یعرف ما هو اجلی و أظهر و لأنّ کلّ شیء یظهر عند العقل بالعلم به فکیف یظهر العلم بشیء غیر العلم؟» (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۲۷۹).

صدرالمتالهین در گفتار خود بیان می‌دارد: (۱) هیچ‌چیزی روشن‌تر و واضح‌تر از علم وجود ندارد و هیچ‌چیز چنین شأنی ندارد که او را روشن‌تر و آشکارتر کند؛ (۲) آگاهی انسان از مفهوم «علم»، وجدانی و حضوری است که هر موجود زنده‌ای از همان ابتدا، بدون هیچ‌گونه ابهام و اشتباهی آن را درمی‌یابد؛ (۳) در نزد عقل، همه‌چیز به وسیله علم روشن می‌شود. پس ممکن نیست که علم به وسیله غیر علم روشن شود (رنجبر حقیقی، ۱۳۸۳). در بیان دیگر گفته شده است: «حقیقت وجود و حقیقت علم جز یک حقیقت واحده در خارج بیش نیست که هم حقیقت علم است و هم حقیقت وجود است. همه‌چیز در پیش عقل ما با نور علم شناخته می‌شود و ما چگونه می‌توانیم علم را به وسیله چیز دیگری که علم نیست و روشنایی آن را ندارد، بشناسیم؟ این مثل آن است که همه‌چیز را با نور ببینیم، اما نور را با چیز دیگری که فروغ ندارد، بباییم» (حائری‌زدی، ۱۳۶۱: ۱۱۷).

ارزش تفکر و علم در آیات و احادیث بسیار مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم رمز فهم آیات را استواری در دانش و خرد بیان فرموده است. مشتقات «عقل» و مشتقات «علم» در قرآن کریم بیان‌کننده اهمیت تفکر و تعقل در آفاق و انفس و کشف راه درست از باطل است. در آیه ۴۳ سوره عنکبوت آمده است: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ، این‌ها مثال‌هایی است که ما برای مردم می‌زنیم، و جز دانایان آن را درک نمی‌کنند.» و آیاتی مانند: «لَا آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»^۲

^۱ العِلْمُ: إدراك الشيء بحقيقته. وذلك ضربان أحدهما: إدراك ذات الشيء. والثاني: الحكم على الشيء بوجود شيء هو موجود له، أو نفى شيء هو منفي عنه.

^۲ نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند؛ سوره بقره آیه ۱۶۴.

و «وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»^۱ تلنگر و توجه به اندیشیدن است.

پیامبر اعظم صلوات الله علیه و آله داناترین مردمان را کسانی بیان فرموده‌اند که دانش مردم را بر دانش خویش بیفزاید^۲ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۹۵) و در روایت دیگری می‌فرمایند: «موسی علیه السلام از پروردگارش پرسید: پروردگارا! کدام یک از بندگان داناترند؟ فرمود: دانشمندی که از دانش سیر نگردد و دانش مردم را بر دانش خویش بیفزاید»^۳ (أبی هریره، بی تا، ج ۲: ۳۱۴) و در روایتی دیگر برتری دانشمند بر عابد را مانند برتری خورشید بر ستارگان بیان فرموده‌اند: «إِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ وَ فَضْلَ الْعَابِدِ عَلَى غَيْرِ الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى الْكَوَاكِبِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۱۹).

امام علی علیه السلام علم را چراغ عقل و خرد^۴، بهترین دلیل^۵، گمشده مؤمن^۶، رأس همه فضائل^۷، حیات قلب، نور دیدگان و نیروبخش بدن از ضعف و نادانی^۸ بیان فرموده‌اند. امام علی علیه السلام به کمیل بن زیاد فرمودند: «يَا كَمِيلُ الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَ الْمَالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَ الْعِلْمُ يَزُكُّوْا عَلَى الْإِنْفَاقِ وَ صَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ يَا كَمِيلُ بِنَ زِيَادِ مَعْرِفَةِ الْعِلْمِ دِينَ يُدَانُ بِهِ بِه يَكْسِبُ الْإِنْسَانُ الطَّاعَةَ فِي حَيَاتِهِ وَ جَمِيلَ الْأَحْدُوْثِ بَعْدَ وَفَاتِهِ وَ الْعِلْمُ حَاكِمٌ وَ الْمَالُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ يَا كَمِيلُ هَلَكَ خَزَانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ هَا، اِي كَمِيلِ دَانِش بَهْتَرِ از مَالِ اسْت. زِيْرَا عِلْمِ، نَگْهَبَانِ تُو اسْت، و لِي تُو بَايْدِ از مَالِ خُوِيْشِ نَگْهَدَارِي كَنِي؛ مَالِ بَا بَخْشِيْدِنِ كَمِ مِي شُوْدِ اَمَا عِلْمِ بَا بَخْشِشِ فَرْوَنِي گِيْرِدِ؛ وَ مَقَامِ وَ شَخْصِيْتِي كِه بَا مَالِ بَهْدَسْتْ اَمْدَه بَا نَابُوْدِي مَالِ، نَابُوْدِ مِي گَرْدِدِ. اِي كَمِيْلِ بِنِ زِيَادِ! سَنَاحْتِ عِلْمِ رَاسْتِيْنِ اَيِيْنِي اسْت كِه بَا اَنِ پَادَاشِ دَاْدَه مِي شُوْدِ وَ اِنْسَانِ دَرِ دُوْرَانِ زَنْدَگِي بَا اَنِ خُدا رَا اِطَاعْتِ مِي كَنْدِ، وَ پَسِ از مَرِگِ، نَامِ نِيكو بَه يَادِگَارِ گِذَارْدِ. دَانِشِ، فَرْمَانِروا؛ وَ مَالِ، فَرْمَانِ بَرِ اسْت. اِي كَمِيْلِ ثَرْوَتِ اِنْدُوْزَانِ بِي تَقْوَا، مَرْدَه اِي بَه ظَاهَرِ زَنْدَه اِنْدِ، اَمَا دَانِشْمَنْدَانِ تَا دُنْيَا بَرَقْرَارِ اسْتِ زَنْدَه اِنْدِ،

^۱ و بیشتر آنها نمی‌فهمند!، سوره مائده آیه ۱۰۳.

^۲ قال رسول الله (ص): «أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ».

^۳ سأل موسى رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ: رَبُّ أَيُّ عِبَادِكَ أَعْلَمُ؟ قَالَ: عَالِمٌ لَا يَشْبَعُ مِنَ الْعِلْمِ يَجْمَعُ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ».

^۴ الْعِلْمُ مِصْبَاحُ الْعَقْلِ (ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۵۴۰).

^۵ الْعِلْمُ نِعْمٌ دَلِيلٌ (همان).

^۶ الْعِلْمُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ (همان).

^۷ رَأْسُ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ، غَايَةُ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ (همان).

^۸ «إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ، وَ نُورُ الْأَبْصَارِ مِنَ الْعَمَى، وَ قُوَّةُ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ» (همان).

بدن‌هایشان گرچه در زمین پنهان اما یاد آنان در دل‌ها همیشه زنده است» (دشتی، ۱۳۹۰: ۴۷۰).



شکل ۴. برخی ویژگی‌های علم (از نگاه امام علی علیه‌السلام)

البته کیفیت حالات عالم در اسلام دارای ویژگی‌های خاصی است. خداوند در قرآن راسخون در علم را تنها افرادی معرفی نموده‌اند که قابلیت فهم قرآن کریم را دارند، در سوره آل‌عمران آیه ۷ آمده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ». پیامبر اعظم صلوات‌الله‌علیه و آله ویژگی راسخون در علم و عالمان حقیقی را دارندگان دست نیک، زبان راست، دل صاف و عفت شکم و فرج بیان فرموده‌اند؛ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مَنْ بَرَّتْ يَمِينُهُ، وَصَدَقَ لِسَانُهُ، وَاسْتَقَامَ بِهِ قَلْبُهُ، وَعَفَّ بَطْنُهُ وَفَرَجُهُ (ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۲: ۵۱۸).

پیامبر اعظم صلوات‌الله‌علیه و آله می‌فرمایند: «تَعَلَّمُوا مَا شِئْتُمْ إِنْ شِئْتُمْ أَنْ تَعَلَّمُوا، فَلَنْ يَنْفَعَكُمُ اللَّهُ بِالْعِلْمِ حَتَّى تَعْمَلُوا، هَرَّجَ رَا مِي خَوَاهِد بِيَامُوزِيد، بِيَامُوزِيد وَلِي هَر كَز خَدَاوَنَد شِمَارَا از دَانَش بَهْرَه نَمِي دَهْد، تَا أَنْكِه بَدَان عَمَل كَنِيْد» (همان: ۵۴۴). در حدیثی دیگر حضرت می‌فرمایند: «إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ فِيمَا لَا تَعْلَمُونَ، وَلَكِنْ انظُرُوا كَيْفَ تَعْمَلُونَ فِيمَا تَعْلَمُونَ، مِنْ أَزْأَجِه نَمِي دَانِيد نَمِي تَرْسَم؛ وَلِي بَنَكْرِيد دَر أَنْجِه مِي دَانِيد چَكُونِه عَمَل مِي كَنِيْد» (همان: ۵۴۴). پیامبر اعظم صلوات‌الله‌علیه علم آموزان را به رعایت علم دستور فرموده‌اند و نه روایت آن. حضرت می‌فرمایند: «كُونُوا لِلْعِلْمِ رِعَاةً وَلَا تَكُونُوا لَهُ رِوَاةً، رِعَايَت كَنَدگان دَانَش بَاشِيد و نِه رَوَايَت گِرَان آن» (همان: ۵۴۴). این علم همراه با عمل موجب می‌شود که تنها و منحصرأ علما در مقابل خداوند خاشع باشند، در سوره فاطر آیه ۲۸ آمده است: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ، از میان بندگان خدا،

تنها دانشمندان از او می‌ترسند». این خشوع و ترس، ترس از مسؤولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۷۰) است.



شکل ۵. برخی ویژگی‌های عالم (از نظر پیامبر اعظم حضرت محمد صل‌الله‌علیه‌وآله)

در قرآن کریم می‌توان توجه به فناوری و خلق ابزار بهره‌برداری از طبیعت را با لفظ *سَخَّرَ* بررسی نمود. خداوند متعال در آیاتی دستیابی به حقایق آسمان و زمین را به انسان با لفظ «*سَخَّرَ لَكُمْ*» داده است. در آیه ۱۳ سوره جاثیه آمده است: «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، رام شما ساخت آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است، همه از آن اوست، در این برای متفکران عبرت‌هاست».

علامه طباطبایی در ذیل تفسیر این آیه می‌فرماید: «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» معنای تسخیر آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای انسان، این است که اجزاء عالم مشهود همه بر طبق یک نظام جریان دارد، و نظامی واحد بر همه آن‌ها حاکم است و بعضی را به بعضی دیگر مرتبط، و همه را با انسان مربوط و متصل می‌سازد، و در نتیجه انسان در زندگی خود از موجودات علوی و سفلی منتفع می‌شود، و روز به روز دامنه انتفاع و بهره‌گیری جوامع بشری از موجودات زمینی و آسمانی گسترش می‌یابد، و آن‌ها را از جهات گوناگون واسطه رسیدن به اغراض خود یعنی مزایای حیاتی خود قرار می‌دهد، پس به همین جهت تمامی این موجودات مسخر انسان‌اند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۲۴۶). در تفسیر نور شیوه تسخیر آنچه در آسمان و زمین است این‌گونه بیان شده است: «لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، شاید رابطه تفکر و تسخیر این باشد که در انسان قدرتی نهفته که می‌تواند تمام مظاهر طبیعت را به نفع خود تصرف کند و این قدرت با اندیشه بکار می‌افتد» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۵۲۰).

از آیات و روایات فوق این‌گونه می‌توان استنباط نمود که لازمه کشف روابط بین عناصر و اجزاء طبیعت و مسخر نمودن آن‌ها که خداوند تکویناً اجازه آن را داده است، تفکر و تأمل در آیات الهی است که میزان اهمیت علم و فناوری که می‌تواند تسخیر آسمان و زمین باشد را در آیات و روایات بیان می‌دارد. از طرف دیگر عالم و نگهدارنده علم کسی است که علم در او رسوخ کرده و علم و عملش توأم باهم شده و این علم همراه عمل به صاحب خود آن‌چنان بصیرتی می‌دهد که به درک مسئولیت خود در برابر خدا آگاه شده و در برابر او خاشع و خاضع می‌شود.

چیستی جهاد علمی

همراهی جهاد و علمی، ایجاد انگیزه مضاعف و افزایش قدرت در علم‌آموزی و گسترش علم است. مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در مورد علم جهادی می‌فرمایند: «در مورد جهاد دانشگاهی من اعتقاد این است که این ترکیب - جهاد و دانشگاه، و تلفیق جهاد که یک امر ارزشی معنوی است با علم و دانش و با دانشگاه - دارای پیام است؛ نشان می‌دهد که می‌توان علم جهادی و نیز جهاد علمی داشت؛ این همان کاری است که شماها مشغولید. علم شما علم جهادی است؛ با جهاد و با اجتهاد همراه است؛ در یوزه‌گری و منتظر نشستن برای هدیه شدن علم از این سو و آن سو نیست؛ دنبال علم می‌روید تا آن را به دست بیاورید؛ این علم جهادی و علم برخاسته‌ی از مجاهدت و اجتهاد و تلاش است. از طرفی شما مشغول جهاد هستید. جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس. میدان‌هایی دارد؛ یکی از میدان‌هایش حضور در نبردهای مسلحانه‌ی رایج جهانی است. میدان سیاست هم دارد؛ میدان علم هم دارد؛ میدان اخلاق هم دارد. ملاک در صدق جهاد این است که این حرکتی که انجام می‌گیرد، جهت‌دار و مواجه با موانعی باشد که همت بر زدودن این موانع گماشته می‌شود؛ این می‌شود مبارزه. جهاد یعنی یک چنین مبارزه‌ای، که وقتی دارای جهت و هدف الهی بود، آن‌وقت جنبه‌ی تقدس هم پیدا می‌کند. شما مبارزه‌ی علمی می‌کنید؛ زیرا این کار شما به‌طور واضح دشمنان بسیار سرسختی دارد که نمی‌خواهند این حرکت علمی و تحقیقی انجام بگیرد. لذا به نظر من جهاد دانشگاهی فقط یک‌نهاد نیست، بلکه یک فرهنگ است؛ یک سمت‌گیری و حرکت است. هرچه بتوانیم ما این فرهنگ را در جامعه گسترش دهیم و آن را پایدار و استوار کنیم، کشور را به سمت سربلندی و عزت و استقلال حقیقی بیشتر پیش برده‌ایم» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱). به فرموده مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) جهاد علمی و جهادگر عرصه علم باید نتیجه این جهاد مقدس خود را به جامعه سرریز نماید (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱). امام خامنه‌ای در مورد علم و جهاد می‌فرمایند: «اسلام عزیز بزرگ‌ترین

مشوق علم است و چنین بود که در طی قرن‌های پی‌درپی، مسلمانان پرچم دانش و معرفت و پیشرفت علمی را در همه‌ی جهان در دست داشتند، و امروز که پس از دوران تلخ تسلط سیاست‌های بیگانه بر کشورمان، بار دیگر ملت ایران آزادی از نفوذ استکبار جهانی را می‌آزماید، جهاد علمی یکی از بزرگ‌ترین فرائض ما است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۷/۰۶).

بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) یکی از راه‌های برون‌رفت از مشکلات جامعه، درونی سازی قدرت، اقتدار زایی، مقاوم بودن در مقابل دشمن، پیشرفت همه‌جانبه کشور، فریضه جهاد علمی است. جهاد علمی جهت دادن به علم و علم‌آموزی در راستای کسب رضایت و تعالی ارزش‌های الهی است. جهاد علمی شتاب‌دهنده به بهره‌مندی جامعه از برکات علم اقتدار زا است. ثمره جهاد علمی استحکام درونی آحاد جامعه و قدرت ملی کشور در مسیر ساخت تمدن نوین اسلامی و جامعه منتظر است.

پیشینه تحقیق

این تحقیق فاقد پیشینه‌ی منطبق بر موضوع تحقیق یعنی عوامل سازنده جهاد علمی منجر به ساخت درونی قدرت است. اما تحقیقات مشابهی در این حوزه انجام شده است. خان محمدی و باقری در مقاله‌ای به ترسیم مدل مفهومی نظام علمی کشور مبتنی بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) پرداخته‌اند (خان‌محمدی و باقری، ۱۳۸۹). این پژوهش با استفاده از راهبرد نظریه‌پردازی داده بنیاد و تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده حاصل از مصاحبه و مستندات به استخراج دو مدل مفهومی نظام علمی پرداخته است. در این پژوهش عزت علمی را مقدمه‌ای برای عزت و هویت ملی اسلامی و شکل‌دهی به جامعه متمدن اسلامی بیان داشته است. در تحقیق دیگر حکمت افشار و همکاران به بررسی «احیاء رویکرد مرجعیت علمی در ایران» پرداخته‌اند (حکمت‌افشار و همکاران، ۱۳۹۲). در این تحقیق پژوهشگران از روش میدانی و تحلیل محتوا سه مضمون اصلی و مضامین اصلی متعددی احصاء نموده‌اند و معتقدند مرجعیت علمی دست‌یافتنی است. در تحقیق مرتبطی جمشیدیان به بررسی «تولید علم و اقتدار علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» پرداخته است (جمشیدیان، ۱۳۸۷). در این پژوهش محقق با تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۲۳۹ مقوله را استخراج و محوربندی کرده است. ایشان بیان می‌دارند که جهاد علمی و جنبش نرم‌افزاری به‌عنوان مهم‌ترین سازوکار تولید علم و اقتدار علمی است.

روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر ترکیبی است. اطلاعات موردنیاز برای این پژوهش از طریق بررسی منابع قرآنی و روایی و تفاسیر معتبر و نیز بررسی بیانات حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) و مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، کتب و مقاله‌های پژوهشی مرتبط جمع‌آوری شده و سپس مورد مذاقه و تحلیل قرار گرفته است. برای استخراج عوامل مؤثر بر جهاد علمی در استحکام ساخت درونی قدرت ملی، با نگرش علی و کل‌نگر عوامل شناسایی شده است. در این نگاه عوامل مؤثر در تحقق جهاد علمی در دو سطح کلان علت داخلی و علت خارجی اندراج یافته است. علت داخلی شامل علت مادی و صوری است. ماده همان چیزی است که حیثیت قوه و استعداد شیء را تأمین می‌کند شیء به واسطه آن بالقوه می‌شود (شیروانی، ۱۳۸۲: ۲۶۰). صورت، چیزی است که شیء به واسطه آن بالفعل می‌شود (همان: ۲۶۱). علت خارجی شامل علت فاعلی و غایی است. علت فاعلی علتی است که وجود معلول را افاضه می‌کند، و هستی معلول از او صدور می‌یابد. علت غایی آن چیزی است که معلول به خاطر آن پدید می‌آید (همان: ۲۶۱). از آنجایی که متغیر وابسته تحقیق استحکام ساخت درونی قدرت ملی است و علت غایی جهاد علمی محسوب می‌شود، لذا برای استخراج عوامل سازنده جهاد علمی سه علت دیگر موردبررسی قرار گرفته است. در این تحقیق علت فاعلی، جهادگران عرصه‌ی علم و فناوری، علت مادی منابع تولید دانش منتج به قدرت ملی درون‌زا و علت صوری نظامات و فرایندها تولید این علم و دانش مفروض شده است. پس از استخراج عوامل مؤثر با نگرش سه‌بعدی از محققان حوزه امنیت ملی و علم و فناوری در دو نوبت ارتباط عوامل با استحکام ساخت درونی قدرت ملی مورد پرسش قرار گرفته است. در نوبت اول در پانل خبرگان (۹ نفر خبره) عوامل موردبررسی قرار گرفته و پس از تأیید در معرض متخصصان مرتبط قرار داده شده و بر اساس مدل‌سازی معادلات ساختاری و با نرم‌افزار SmartPLS تحلیل شده است. برای حداقل نمونه لازم در روش PLS، بارکلای و همکاران (۱۹۹۵) معتقدند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲) که حداقل حجم نمونه لازم برای استفاده از روش PLS برابر است با بزرگ‌ترین مقدار حاصل از دو قاعده؛ (۱) ضرب در تعداد شاخص‌های مدل اندازه‌گیری که دارای بیشترین شاخص در میان مدل‌های اندازه‌گیری مدل اصلی پژوهشی است؛ (۲) ۱۰ ضرب در بیشترین روابط موجود در بخش ساختاری مدل اصلی پژوهش که به یک متغیر مربوط می‌شوند. در این تحقیق حجم نمونه ۵۰ نفر از بین متخصصان علم و فناوری و امنیت ملی انتخاب شده که دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری بوده و نتایج بر اساس این حجم نمونه، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

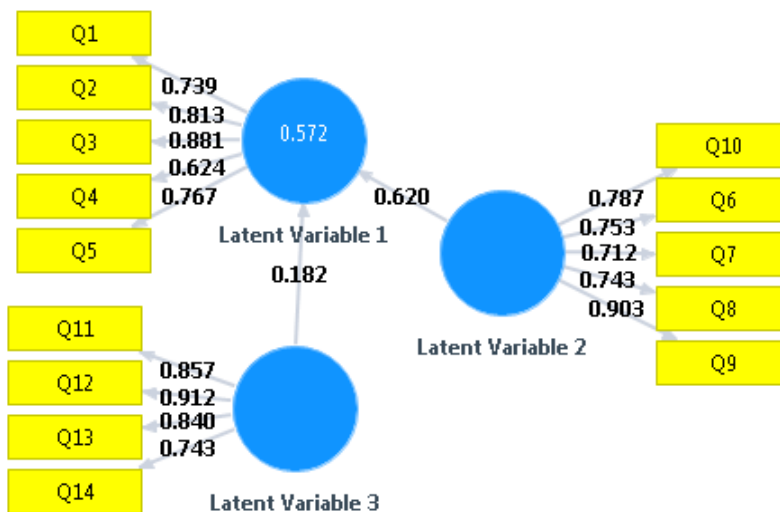
یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: تجزیه و تحلیل داده‌ها

ابعاد و مؤلفه‌های تحقیق مندرج در جدول ۱، بر اساس ادبیات تحقیق و پانل خبرگان احصاء شده است. برای تأیید ابعاد مؤلفه‌های جهاد علمی سازنده استحکام ساخت درونی قدرت ملی به ۵۰ نفر متخصصان امنیت ملی مراجعه شده و داده‌های حاصل در نرم‌افزار SmartPLS قرار گرفته و مدل اولیه تحلیل برای محاسبه بارهای عاملی با ۵۰۰ نمونه اجرا شده است. از آنجایی که بارهای عاملی مؤلفه‌ها بیش از ۰,۴ بودند، لذا مورد تأیید قرار گرفته است (شکل ۶ و جدول ۱).

جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های جهاد علمی در ساخت درونی قدرت ملی

ابعاد	مؤلفه‌ها
ویژگی‌های جهادگران عرصه علم	Q1 اعتقاد عملی به اسلام و نظام
	Q2 صاحب قوت فکری و بدنی
	Q3 نفوذ ناپذیری در مقابل شیطان
	Q4 دارنده تفکر جهادی
	Q5 اعتقاد به حاکمیت مستضعفین
ساختار و فرایندهای جهاد علمی	Q6 پارادایم سازی
	Q7 تفکر سیستمی
	Q8 نظام آموزشی پویا و خلاق
	Q9 نظام تربیت اخلاقی و دینی
	Q10 الگوی حکمی - اجتهادی
منابع علمی	Q11 نصوص و حیاتی و روایی
	Q12 آفاق و انفس
	Q13 علوم ملل
	Q14 توجه ریشه‌های تمدن غربی



شکل ۶. مدل تحقیق

در جدول شماره ۲ گزارش روایی و پایایی مدل آورده شده است.

جدول ۲. گزارش روایی و پایایی

Cronbachs Alpha	Composite Reliability	AVE	
۰.۸۲۹	۰.۸۷۸	۰.۵۹۲	ویژگی های جهادگران عرصه علم
۰.۸۴۱	۰.۸۸۷	۰.۶۱۲	ساختار و فرای ندهای جهاد علمی
۰.۸۶۵	۰.۹۰۵	۰.۷۰۶	منابع علمی

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، ضریب آلفای کرونباخ همه ابعاد بالاتر از ۰/۷ و قابل قبول است و معیار پایایی ترکیبی^۱ بالای ۰/۷ است که پایایی مدل را روایت می‌کند. برای روایی مدل فورنل و لدرکر (۱۹۸۱) مقدار مناسب برای AVE^۲ را ۰/۵ به بالا معرفی کرده‌اند که بر اساس نتایج تمامی مقادیر عددی بالاتر از ۰/۵ دارند که روایی همگرایی مناسب مدل را نشان می‌دهد؛ در نتیجه عوامل مورد تأیید متخصصان نیز قرار گرفته است.

^۱ Composite Reliability

^۲ Average variance extracted (AVE)

ب: یافته‌های پژوهش

عوامل مؤثر بر جهاد علمی منجر به استحکام ساخت درونی قدرت ملی نظام

همانطور که گفته شد، برای احصاء عوامل مؤثر بر جهاد علمی در استحکام ساخت درونی قدرت ملی نظام جمهوری اسلامی ایران از نگاه کل‌نگر و علل اربعه استفاده شده است. بر اساس دیدگاه فوق جهاد علمی در استحکام ساخت درونی قدرت معلول یا متغیر وابسته بوده و عوامل مؤثر علت شکل‌دهنده به موضوع است. علت مادی در این تحقیق ویژگی‌های منابع شکل‌دهنده به موضوع تحقیق و علت صوری، ویژگی‌های ساختار و فرایندهای موردنیاز است. علت فاعلی دربردارنده ویژگی جهادگران بوده و علت غایی همان استحکام ساخت درونی قدرت ملی است.

الف: ویژگی‌های عاملین (جهادگران عرصه علم)

۱- اعتقاد عملی به اسلام و نظام: مؤمن به اسلام یعنی داشتن ایمان به دین مبین اسلام که در قلب نفوذ کرده و انسان را تابع قول و فعل و تقریر معصومین علیهم‌السلام که همانا اسلام ناب محمدی صلوات‌الله‌علیه‌وآله است، می‌نماید.^۱ این ایمان «تُؤْمِنُ بَعْضٌ وَنَكْفُرُ بَعْضٌ»^۲ نیست، تبعیت محض از اسلام است که برنامه زندگی انسان در دنیای مادی و اسفل سافلین جهت رسیدن به اعلی‌علیین است. این اعتقاد باید حقیقی باشد یعنی اگر در اصول اداره جامعه از راهکارهای تمدن غربی بدون غور و استخراج و استنباط از شریعت تبعیت می‌کنیم از بعد اضطرار است و نه بهترین راه که همانا بهترین راه در اداره حکومت و سعادت انسان در بیان خالق آمده است.

۲- صاحب قوت فکری و بدنی: قرآن از قول پیامبر بنی‌اسرائیل در بیان علت نصب طالوت می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ، خَلَاؤُا رَا بَر شَمَا بَر كَزِيدَه، وَ اُو رَا دَر عِلْم وَ (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است (بقره/۲۴۷)». تعبیر به «بسطه» (گسترش) اشاره به این است که وسعت وجودی انسان در پرتو علم و قدرت است، هر قدر این‌ها افزوده شود هستی انسان گسترده‌تر می‌شود؛ گسترش علم بر گسترش نیروی جسمانی، مقدم داشته شده، زیرا شرط اول علم و آگاهی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۳۸). لذا این‌گونه می‌توان استنباط نمود

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (حجرات/ ۱۴).

^۲سوره نساء، آیه ۱۵۰.

که جهادگر عرصه علم برای استحکام درونی قدرت باید سعه وجودی خود را با علم و قدرت تعالی ببخشد تا توانمندی لازم برای تأثیرگذاری ملی را داشته باشد.

۳- نفوذناپذیری در مقابل شیطان: نفوذناپذیری در مقابل شیطان و امنیت قلب، امنیت هویت انسان و روح ملکوتی اوست. ابلیس و جنود جنی و انسی دشمن این هویت الهی هستند تا او را از مرتبه انسانیت ساقط و به پایین‌تر از بهایم برساند. ابزار تأمین امنیت قلب خودشناسی و در پی آن خودسازی و تجهیز به سلاح درونی و بیرونی است، تا با توجه به آن بتواند عروج کرده و محیط مادی زندگی خود را به‌گونه‌ای دگرگون سازد که شایسته مقام خلافت انسانی باشد. خودشناسی یعنی فهم اینکه روح ما نفخه‌ی الهی و امر اوست و شایسته قرب الهی است و خودسازی سیر و سلوک، مجاهدت و سخت‌کوشی برای کسب کرامت مقدر و نیل به شایستگی برای ظهور در مقام خلیفه الهی است.

۴- دارنده تفکر جهادی: حرکت جهادی، یعنی شب و روز نشناختن، آرام و قرار نداشتن و بی‌قراری برای مجاهدت در راه خدا که اجر مجاهد قابل‌مقایسه با دیگران نیست. مجاهد خود را نمی‌بیند جامعه اسلامی و مردمی را می‌بیند که دغدغه اصلی اوست که با حاکمیت اسلام سعادت دنیا و عقبی آن‌ها را شکل دهد.

۵- اعتقاد به حاکمیت مستضعفین: اعتقاد به حاکمیت مستضعفین در کره خاکی یعنی می‌شود به هراندازه که در توان ماست حاکمیت مستضعفین را در کره خاکی تحقق ببخشیم و کسی در دنیا منتظر واقعی است که برای استقرار حاکمیت اسلام تلاش کند همان‌طور که در دعای فرج برای سلامتی حضرت ولیعصر دعا می‌کنیم و خود می‌دانیم که این دعا اجابت شده است اما ما برای نشان دادن اینکه در مسیر هستیم دعا می‌کنیم و در مسیر بودن ما فعل عملی می‌خواهد و آن تشکیل دولت اسلامی است.

ب: منابع شکل‌دهی به علم درون‌زا

۱- نصوص و حیانی و روایی: قرآن و سنت پیامبر و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین دو منبع خدشه‌ناپذیر برای انسان است. قرآن کلام خداوند و نازل‌شده بر خاتم پیامبران است که برنامه جامع زندگی انسان را در بردارد. قرآنی که توسط پروردگار فرستاده‌شده، دستورات و اوامر آن برای عموم مردم روشن است و اوامر و دستورات اخلاقی آن برای همه قابل‌استفاده و هم‌چنین قابل‌اجرا و عملی است. حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) درباره تفکر و تدبیر در آیات شریفه قرآن می‌فرماید: «یکی دیگر از حجب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه است، اعتقاد به آن

است که جز آنچه مفسران نوشته یا فهمیده‌اند کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست و تفکر و تدبّر در آیات شریفه را به تفسیر رأی که ممنوع است، اشتباه نموده‌اند و به واسطه این عقیده باطله، قرآن شریف را به کلی مهجور نموده‌اند» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۹۹). سنت قول و فعل و تقریر معصوم علیهم السلام است که با سند محکم به ما رسیده باشد. گفته‌ها و سخنان معصومین (ع) را که در احادیث و روایات آمده است «قول معصوم»، اعمال و افعالی را که آنان انجام می‌داده‌اند «فعل معصوم» و تأیید کردن سخن یا عمل دیگری را «تقریر معصوم» گویند.

۲- آفاق و انفس: آفاق و انفس، اصطلاحی در عرفان و فلسفه اسلامی. آفاق جمع أفق و به معنی کران، ناحیه، کرانه آسمان، کنار و برگرد جهان؛ و انفس، جمع نَفْس به معنی ذات: روح و خود است. در اصطلاح متفکران اسلامی واژه آفاق و انفس با توجه به قرآن^۱ (فصلت/۵۳) در معنای جهان و انسان یا ظاهر و باطن یا عالم مادیات و مجردات به کار رفته است، چنانکه عالم آفاقی کنایه از عالم ظاهر و عالم کبیر و عالم اجسام است؛ و عالم انفسی اشاره به عالم باطن و عالم صغیر و عالم ارواح؛ سیر در آفاق و انفس، یعنی تفکر در لطایف وجود آدمی و مشاهدت دقایق هستی، مطلبی است که به صورت‌های مختلف در نوشته‌های دانشمندان اسلامی مطرح شده است (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷: ج ۱). توجه و تأمل در آفاق و انفس دو منبع اصلی معرفت یعنی عقل و تجربه را بارور خواهد کرد.

۳- ریشه‌های تمدن غربی: توجه به ریشه‌های تمدن غربی که خاستگاه تولید علوم و نظریه‌های جدید است در فهم نقاط ضعف مبانی این علوم کمک می‌نماید. توجه به این نکته که علم در غرب با نفی دین کلیسایی رشد و گسترش یافت و دانشمندان غربی لازمه پیشرفت علمی را نفی هرگونه اعتقاد به دین و مفاهیم الهی بیان داشته‌اند. این دقت و نگاه به فهم نظریه‌ها لازمه باز نظریه‌پردازی مبتنی بر حقایق است. فهم داروینیسیم، لیبرالیسم، اومانیسیم و نهیلیسم از جمله ریشه‌های تمدن غربی است که باید مورد فهم و مذاقه قرار گیرد.

۴- علوم ملل: رسیدن به علم حقیقی به معنای نفی دستاوردهای ملل و تمدن‌های دیگر نیست. این دستاوردها باید مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرید اما جهادگر عرصه علم باید بتواند علم حقیقی و دستاورد عقل را از توهمات و عناصر آلوده تمدن‌ها جدا و پیرایش نماید.

^۱ سَتَرِيهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ، به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانیشان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است.

ج: ساختار و فرایندها

۱- پارادایم‌سازی: در فرآیند نظریه‌پردازی و تولید دانش، نظرگاه نهایی تمام فعالیت‌ها و انرژی‌ها ایجاد قانون علمی یا پارادایم است. زمانی که در یک شاخه از دانش بشری پارادایم یا قوانین علمی موردنیاز ارائه می‌گردد، امکان کمک آن شاخه از دانش بشری به فرآیند پیشرفت و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تسهیل می‌شود. تولید دانش نوین و فرآیند نظریه‌پردازی که در قالب پارادایم علمی تجلی پیدا می‌کند طی یک فرایند منظم متوالی و روشمند حاصل می‌گردد (باقری و یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

۲- تفکر سیستمی: نگرش مبتنی بر تفکر سیستمی برای موقعیت و معنی‌دار کردن دنیای پیچیده امروز لازم است؛ در تفکر سیستمی مسائل به صورت یک کل در حال تعامل با محیط مورد مطالعه قرار می‌گیرد. تفکر سیستمی مبتنی بر تصور ارگانیک، کل‌نگری، مدل‌سازی و شناخت گراست؛ با تفکر سیستمی جهان‌بینی ما نسبت به شناخت سنتی و تک‌بعدی متحول می‌شود (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰: ۸۷).

۳- نظام آموزشی - پژوهشی پویا و خلاق: نظام آموزشی - پژوهشی باید موجب پویایی و خلاقیت شود. تفکر خلاق استعداد و توانایی شناخت روابط تازه و مهم در افکار و پدیده‌های موجود یا توانایی دریافت روابط جدید، روش تازه، راه‌حال‌های تازه یا حتی مسائل جدید است (شهری نژاد، ۱۳۷۱). این نظام شیوه متفاوت نگریستن به پدیده‌های را آموزش داده و مهارت حل مسئله و قدرت کشف و انتخاب راه‌حل‌های جدید را می‌آموزد.

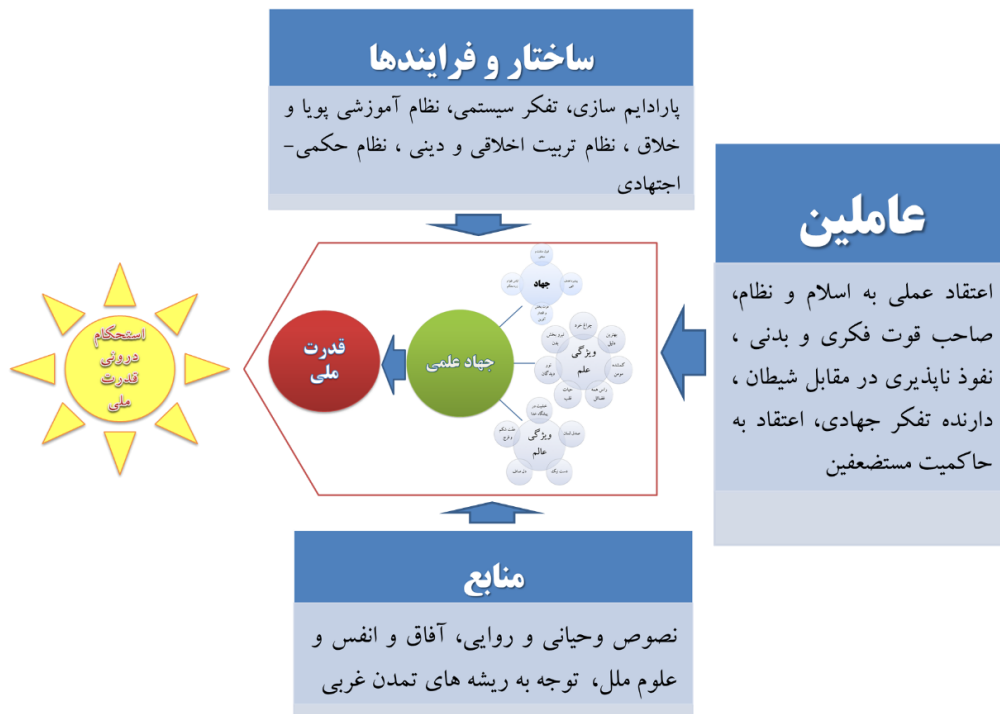
۴- الگوی حکمی - اجتهادی: الگوی حکمی - اجتهادی، در پرتو حکمت نوین اسلامی به فلسفه‌های مضاف به امور راه پیدا می‌کند و مبانی حکمی علوم انسانی را به‌ویژه در توصیف انسان مطلوب و نقش آن در توصیف انسان تحقق‌یافته و تغییر آن به انسان مطلوب تبیین کرده است؛ روش اجتهادی سه کاربرد دارد، ابتدا عرضه اصول مستخرج از قرآن و تطبیق آن با فروع، دوم پرسش‌های مستخرج از جامعه را بر قرآن و سنت عرضه می‌کند و سومین کارکرد اجتهاد این است که در شناخت انسان محقق باید پرسش‌های قرآن از این انسان محقق مشخص گردد (خسروپناه، ۱۳۹۱).

۵- نظام تربیت اخلاقی و دینی: نظام تربیت اخلاقی و دینی لازمه ساخت و تداوم روحیه جهاد گردی در فرایند جهاد علمی است. این نظام جدا از نظام‌های فوق نیست. بلکه درون اجزاء و فرایند نظام‌ها ممزوج و یکپارچه شده است. تربیت اخلاقی و دینی یعنی تربیت انسان موحد و

دنیای‌گرای آخرت ساز که محصول این انسان در ساختارها و فرآیندهای تولید علم اقتدار زایی درونی و هماهنگ با خلقت و آفرینش جهان هستی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

یکی از ارکان اصلی استحکام ساخت درونی قدرت ملی در نظام جمهوری اسلامی ایران جهاد علمی است. جهاد و کوشش همه‌جانبه با تحمل سختی و مشقت برای دستیابی به قله‌های علمی که کشور را به قدرت ملی درون‌زا می‌رساند، نیاز امروز جامعه اسلامی ایران است. عوامل سازنده‌ی جهاد علمی مسیر مطمئنی را برای دستیابی به استحکام ساخت درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس چارچوب و معیارهایی مشخص فراهم می‌آورد. مدل نهایی این تحقیق که مبتنی بر علل چهارگانه شکل‌گرفته است، به سه عامل اساسی سازنده‌ی جهاد علمی استحکام‌بخش درونی قدرت ملی توجه دارد. عامل اول که منطبق بر علت فاعلی ساخت درونی قدرت است به ویژگی جهادگران عرصه علم می‌پردازد. جهادگران عرصه علم باید دارای ویژگی‌های خاصی بوده و نظام اسلامی باید در پی تقویت و ایجاد این روحیه‌ها برای جهادگران باشد. عامل دوم مدل نهایی تحقیق، توجه به علت مادی استحکام درونی با جهاد علمی است که به منابع تولید دانش و فناوری که لازمه‌ی حرکت نظام به قدرت درون‌زا است. این منابع هم باید به خلقت قابل‌تسخیر توسط انسان توجه داشته باشد که تسخیر هماهنگ با خلقت و قوانین الهی باشد و هم به علوم پالایش‌شده توسط سایر ملل از موضوعات غیر فطری و مغایر با مبانی اسلام، استفاده نماید. عامل سوم مدل نهایی تحقیق به فرایندها و ساختارهای تولید این علم توسط جهادگران اشاره دارد. فرایندها علاوه بر خلاقیت از بودن باید اخلاقی و نشأت گرفته از شیوه متدولوژی جامع‌نگر، عقلایی و قرآنی - حدیثی باشد. برهم‌کنش این مؤلفه‌های منجر به استحصال علمی درون‌زا، نافع و هماهنگ با خلقت شده که قدرت ملی جمهوری برآمده از اسلام را بر پایه مؤلفه‌های درونی استحکام می‌بخشد و الگویی برای تمدن نوین اسلامی شکل خواهد داد. پیشنهاد می‌شود محققین محترم الگوی برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی این عوامل سازنده‌ی جهاد علمی را ترسیم نمایند.



شکل ۷. مدل مفهومی عوامل سازنده جهاد علمی در استحکام ساخت درونی قدرت ملی

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی، چاپ سوم، تهران: نشر لقمان.
- امام خمینی رحمه‌الله علیه (۱۳۷۲). آداب الصلوٰه. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی رحمه‌الله علیه (۱۳۷۴). چهل حدیث (چاپ بیست دوم). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار، <http://farsi.khamenei.ir>.
- ابن‌بابویه، محمدی علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. مصحح علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، مصحح جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع دار صادر.
- باقری، سیامک؛ یوسفی، جعفر (۱۳۸۷). «عوامل مؤثر در اقتدارزایی علم»، فصلنامه اقتدار علمی، سال اول، شماره سوم.
- چالمرز، آلن اف (۱۳۸۹). چیستی علم، درآمدی بر مکاتب علم شناسی فلسفه، ترجمه دکتر سعید زیبا کلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حافظ نیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۲). «تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه علوم جغرافیایی دانشگاه تربیت معلم، شماره ۱، صفحات ۶۷-۴۷.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹). مبانی مطالعات سیاسی اجتماعی، تهران: انتشارات سازمان مدارس حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). قدرت و منافع ملی، تهران: انتشارات انتخاب.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۵). «طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره دوم، صفحات ۷۳-۴۶.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۷). مباحث نظری در مورد قدرت ملی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- حائری یزدی، سیدمهدی (۱۳۶۱). کاوش‌های عقل نظری، تهران: امیرکبیر.
- حسن‌بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰). مدیریت راهبردی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حکمت‌شعار، میترا و همکاران (۱۳۹۲). «احیای رویکرد مرجعیت علمی در ایران: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی گلستان»، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، سال دوم، شماره دوم، صفحات ۱۳۳-۱۲۵.
- خان‌محمدی، هادی؛ باقری، مصباح‌الهدی (۱۳۸۹). «طراحی مدل مفهومی نظام علمی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»، فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۱، صفحات ۴۰-۵.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۱). الگوی حکمی اجتهادی علوم انسانی. جاویدان خرد، دور جدید. شماره ۱۹، صفحات ۶۶-۲۹.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- راغب اصفهانی (۱۳۹۰). مفردات کلمات قرآن کریم، ترجمه حسین خدایپرست، تهران: انتشارات نوید اسلام.
- رنجبر حقیقی، علی (۱۳۸۳). «علم حضوری و علم حصولی»، مجله معرفت، شماره ۷۶.
- ری شهری، محمد (۱۳۷۹). علم و حکمت در قرآن و حدیث، به کوشش رضا برنجکار و عبدالهادی المسعودی، تهران: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- ری شهری، محمد (۱۳۸۸). منتخب میزان الحکمه، تلخیص سیدحمید حسینی، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: انتشارات دارالحدیث.
- شیروانی، علی (۱۳۸۲). کلیات فلسفه، تهران: مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۲). نهایه الحکمه. تصحیح: غلامرضا فیاضی. قم: دفتر انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قریشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، قم: دار الکتب الإسلامیه.
- کالینز، جی (۱۳۷۰). استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)، ترجمه کورش بایندر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار، بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). آموزش فلسفه، تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مظفر، محمدرضا (۱۳۹۰). بدایه المعارف الالهیه. شرح سیدمحسن خرازی، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ملاصدرا (۱۳۸۳). الحکمه المتعالیه الاسفار العقلیه الاربعه. قم: ناشر دارالمعارف الاسلامیه.
- منوچهری، عباس (۱۳۷۶). «قدرت، مدرنیسم و پست مدرنیسم»، مجله اطلاعات اقتصادی سیاسی (موسسه اطلاعات)، سال سوم، شماره چهارم.
- نبوی، سیدعباس (۱۳۷۹). فلسفه قدرت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- هیندس، باری (۱۳۸۰). گفتارهای قدرت از هابز تا فوکو. ترجمه مصطفی یونسی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.